

نگاه

دفاعیه‌ای برای رمان

■ از «ایده‌هایی در باب رمان» نسخه‌های متعددی وجود دارد که نویسنده در موقعیت‌های مختلف با تغییرات و حک و اصلاح‌های وسواس گونه‌ای آن را مطرح کرده است. در بعضی نسخه‌ها، بررسی جزنگارانه‌ای از آثار معاصر نیز به چشم می‌خورد که نویسنده با لحنی تند و گزرنده، ایرادات و ضعف‌های آنها را به رخ می‌کشد، ولی غالباً مشهورترین نسخه از «ایده‌هایی در باب رمان» همان مقدمه کتاب «جنایات عشق» به شمار می‌آید که به احتمال زیاد در سال ۱۸۰۰ نوشته شده و یکسال بعد منتشر می‌شود. اکتاو اوزان، قریب به ۸۰ سال بعد اولین نسخه تصحیح‌شده از این مطلب را عرضه می‌کند و البته تا سال ۱۹۴۶ درست پس از خاتمه جنگ جهانی دوم هیچ ترجمه‌ای از این مقاله به زبان انگلیسی در دسترس نیست.

بخش قابل توجهی از «ایده‌ها» به اهمیت و ضرورت سرنوشت‌ساز رمان در تجربه نویسنده‌ای می‌پردازد که گذار از قرن هجدهم به نوزدهم- قرن لوح و اغتالی رمان‌نویسی- را به طرز دردناکی گواهی می‌دهد. همچنین پس از ۱۰۰سال از زمان انتشار این مطلب، نکته‌ها و موضع‌گیری‌های درخور تأملی در آن به چشم می‌خورد. مهم‌ترین وجه آن تأکید نویسنده بر خصیصه‌های منحصر‌به‌فرد شیوه‌ای نویبداد در نوشتار – یعنی همان رمان- است. از فحواي مطلب و لحن جدی آن چنین برمی‌آید که رمان در معرض تردیده‌ها و بدبینی‌های معاصران قرار داشته، قرن هجدهم از تفاوت زبانی معینی با قرن یازدهم برخوردار است و از این‌رو، طرز بیان و نحوه کاربست تخیل نیز فرق می‌کند. تری ایگلتن در تشریح این تحول، بر دگرگونی مفهوم آزادسازی و آزادی در ادبیات قرن هجدهم تأکید می‌کند. یکی از تعبیر متداول در تجربه کنشی رهایی‌یافتی مبتنی بر از میان برداشتن و حذف همه موانع تاریخی و زمانمند است، هرچه مشکلات با اراده آهنین و خشم‌آگین انسان‌ها از میان برداشته شود، در نتیجه آزادی بیشتری محقق می‌شود.اما از منظر ایگلتن این



آزادی ژاکوبینی در نهایت به حذف خود منجر می‌شود. در وهله اول، هر سد و هر معضلی حذف می‌شود و طرف چند هفته پس از برپا داشتن گیوتین و آکندن پاریس از سهرای مخالفان، نوبت به خود ژاکوبین‌ها می‌رسد و حالا دیگر چاره‌ای به جز حذف همکاران و هم‌تایان نیست. شکل دیگری از تجربه رهایی با شرط خلاقیت و نوآوری عملی می‌شود. خلاقیت مدنظر ایگلتن، منوط به سازوکاری است که دقیقاً بر مبنای شیفتگی و فراخواندن جمعیت‌های انسانی، هر معضلی صورت‌بندی نازمی پیدا می‌کند و راه‌حل از بطن رخدادهای ظاهراً بی‌محتوای همه آید.این خودندایی می‌کند. رمان در طلیعه قرن نوزدهم دقیقاً نمود بیرونی چنین رویکردی است و ساد به درستی بر اولویت شنیدن در قیاس با گفتن صحه می‌گذارد. گرچه در بدو امر، رمان نوشتاری است که به مردمان دون‌مایه بیش از سایر انواع سخن اهمیت می‌دهد و نیز اینکه مخاطبان آن کم‌سوادتر از ادیبان و فرهیختگان دوران به شمار می‌آیند، اما همین چرخش از گفتن به شنیدن عنصر پراسازنده آن است. نکته مهم دیگری که از تممیم صورت‌بندی دوم از پروژه آزادسازی سوزده در مقاله ساد به چشم می‌خورد گذار از حضور به فقدان است. رمان نه براساس داشته‌ها و توانایی‌های پیشین، بلکه براساس نیازهاو عیش‌هاشکل را می‌گیرد. رنگ‌پردیگی و زردگرایی، جلوه نمایان رمان و طرز تخیلی است که مدام و مدام برجهت‌های می‌شود. به عبارتی روحیه‌ای که سعی در پرور کردن و بیان‌های پر و پیمان و توصیف جذابیت‌های دور از دسترس برای مخاطبان عادی داشت، جای خود را به نشان دادن و بیان‌پذیر کردن موجودات، خلقیات و موقعیت‌های داد که از اساس درخور درنگ و تأمل نبوده‌د. «ایده‌ها» نویسنده خود پیشاپیش قبول می‌کند که آثار داستانیی ساد بی‌پهره از نکاتی است که آنها را توصیه می‌کند. مارسل هناف، بر این باور است که باالزاک و استفاد، در مسیر تاریخی رمان اروپایی بهترین نمونه‌هایی هستند که درخواست‌های ساد را اجابت کرده‌اند.

فقط بیان حقیقت کفایت نمی‌کند، اینک باید مخاطب را متقاعد کرد. در کنارش، اگر نویسنده در پی آن است تا چیزی را بنویسد که از قبل می‌داند، چه بهتر که نویسد. در واقع ساد، طرح داستانی را نقطه عزیمتی می‌داند تا در ادامه، جهانی از امکان‌پذیری‌ها و تغییرات در پیش‌داوری مخاطب و نویسنده توانمان گشوده شود. با ذهنیت کلیشه‌ای و رایج که تصویری قالبی از ساد را بازتولید می‌کند، احتمالاً مایه شگفتی خواهد بود، وقتی در «ایده‌ها» می‌بینیم که او به مخالفت با تقلیل محتوای رمان به جنبه فیزیکی و جسمانی، روابط انسانی برمی‌خیزد، به همین دلیل با هواشمندی در پی تدلوم سنت سروانتس و هنری فیلدینگ در رمان‌نویسی است. در پایان ذکر این مطلب لازم است که این مقاله، حاوی بدالت‌جبری است که نویسنده پس از خاتمه به دفاع از عملکرد خود پرداخته و با اصرار درصد آن است که انتساب نویسنده‌گی کتاب ژوستین را از خود دور براند. از ارایه این بخش از مقاله که در واقع خصمیة‌ای بر این مقاله است به دلایلی چند صرف‌نظر شد.



احمد غلامی

همه گریه‌های من به من خیانت کرده‌اند. اولین گریه‌ای که پایش به خانه ما باز شد Topcat بود. آنقدر زیبا نبود و با تکبر توی هال راه می‌رفت که فوری دل‌بستم‌اش شدم. یکی از دوستانم به من معرفی‌اش کرد. اول زیر بار نمی‌رفتم و گفتم: «حداقل از تنهایی درمی‌آوردت!» قبول کردم. توی یک سبد خوشگل او را آورد- روزهای اول از اینکه یکی به جز من توی خانه بود ناراحت می‌شدم. اما کم‌کم به او عادت کردم. صبح صبحانه‌اش را می‌دادم و با خودم ناهار می‌خورد و شب‌ها هم شام‌ش را تنها می‌خورد. جایش هم گرم و نرم بود زیر تخت خودم. بعضی شب‌ها می‌آمد و گوشه پتویم می‌خوابید. بعضی وقت‌ها خرخرش آزارم می‌داد اما روی هم رفته باهم کنار می‌آمدیم. به نظرم او خوشبخت‌ترین گریه روی زمین بود. اما عشق و جوانی این چیزها سرش نمی‌شود. همه می‌گویند، گریه‌ها بی‌چشم‌ورو بی‌وفایند اما این‌طور نیست گریه‌ها عاشق‌پیشه‌اند و اگر گریه تری پیدا شود و چند میومیمو شاعرانه‌ کند آنها فوری از راه به در می‌روند و لگد به بخت خودشان می‌زنند. این اتفاق هم برای Topcat افتاد و در یک روز بهاری که گریه آمد روی لبه دیوار و شعری عاشقانه را میومیمو کرد،

آدمی دست‌خوش دو ضعف است که با وجودش پیوسته در ارتباط است و معرف او هستند. آدمی همیشه باید التماس کند، آدمی همیشه باید عشق بورزد، همین سنگ بنای همه رمان‌هاست. گاهی نوشته است تا آدم‌هایی را تصویر کند که التماسشان را می‌کرده: گاهی دیگر نوشته است تا از آنهایی ستایش کند که بدان‌ها عشق می‌ورزیده، دسته نخست، از آنجا که از سر ترس از امید کنایت شده‌اند، غالباً ملول، مهیب و مملو از دروغ و خدعه‌اند، منشآت ایسدراس در خلال تسخیر بابل مثال‌های خوبی هستند. دسته دوم معمولاً از لطافت و احساس سرشارند؛ حکایات هلیودوروس مثال‌هایی از این سنخ به شمار می‌آیند. اما از آنجا که آدمیان در همه جای جهان لایه کرده‌اند و عشق روز بیداند، رمان‌ها، که به عبارتی همان آثار داستانی باشند، همیشه وجود داشته است، رمان‌ها در زمان‌های اسباب تصنعی ستایش آدمی را تصویر کرده‌اند؛ در زمان‌هایی دیگر اسباب کم و بیش حقیقی عشق او را تصویر کرده‌اند. از این‌رو منت‌انه این سنخ نوشتار به فلان یا بهمان ملت از جاع نمی‌یابد. از آنچه گفته آمد چنین برمی‌آید که جملگی ممالک به واسطه اشتیاق مشترک خود به عشق یا خرافه کم و بیش از رمان بهره‌مند شده‌اند.

اسناد زمان‌های مربوط به دوران کلاسیک را- با عنایتی ویژه به تریوپادورها- در اروپای قرون وسطی مرور می‌کند و در نهایت به رمان قرون ۱۶ و ۱۷ در اسپانیا و فرانسه می‌پردازد. او به طور خاص سسرولتس را مدنظر قرار می‌دهد که او را می‌ستاید و به مادام دولوایات که در موردش تردیدهایی روا می‌دارد، و به فقلون که بزعم وی دورانش سیری شده و همین‌طور به اسکاورن که انبساط خاطر او را فراهم می‌کند.]

لذت‌گرایی نویسنده‌گانی همچون نینون دولانکه، ماریون دولور، مارکی دوسونی، مارکی دولفار، مارکی شالیو، و سن-اورمن- یک کلام، جماعت سرخوشی که از الهامات الهیستیزی به قدر کفایت به سستی دچار آمده بودند- ایشان را به‌منظری که بی‌معنای آن از این دست نیست نمی‌تواند مایه تفریح قرنی باشد که سلطنت، آن را تباه کرده، قرنی که از حقاقت سلاحداران، زیاده‌روی اهل آیین و ستایش زان پشت دوتا کرده است، سهل‌تر از یاد بود که همین زان را سرگرم می‌کردند یا باعث فساد ایشان می‌شدند تا اینکه از آنها سرپرستی کنند و به تأمین معاش بپردازند، حواست، تابلوها و مکالماتی که خلق کردند از این رو با مقتضیات زمانه مارم بود. کلیبی، مسلکی، سبک‌سری، لذت و در مواردی سبکی- فلسفی به خدمت مخفی نگه داشتن بی‌خلاق‌ها در لذت، به نتیجه می‌انجامید اما تعلیم لزوماً عاقبتی در پی نداشت. کریبون به نگارش سیرک می‌کردند یا باعث و جان و کتاب‌های دیگری پرداخت که جنگلی در خدمت منافع حاصل از زالت بودند و در فاصله‌ای بس بعید از فضیلت پرسه می‌زدند. به محض انتشار، با توفیقی شایان قرین می‌شدند. ماریوو، که در چهرنگاری اصالت بیشتر و دستی قوی‌تر داشت، مردانی متشخص و ارواحی تسخیر شده عرضه می‌کرد که دست کم از مخاطب‌تری اشکب می‌گرفت، ولی از چه رو این نیرو با سبکی به غایت مصنوع و متکلف همراه بود؟ اگر تردید او ثابت کرد که طبیعت هیچ‌گاه همه عطایایی را که لازمه کمال هنر باشد در اختیار یک رمان‌نویس قرار نمی‌دهد. هدف ولتر از بنیاد متفاوت بود؛ در رمان‌هایش نیتی جز این نداشت تا محیطی برای فلسفیدن پیدا کند، او از همه آنچه بی‌واسطه در پیوند با این هدف بود صرف‌نظر کرد. موقعیتش چشمگیر بود، و بزعم همه انتقاد،ه، کاندید و رادیک به احتمال در زمره شاهکارهای همه

دوران باقایی می‌ماند. روسو، که لطافت و عاطفه را مروهون طبیعت بود، حال آنکه به ولتر فقط دکوات ازرنای داشته بود، رمان را به طریق دیگری هدایت کرد. در هلوئیزر، کمیت‌های ا جنس نیرو و شور در کار هستند. آنجا که موموس، کاندید را به ولتر املا می‌کند، در عشق با شرارهای خود، در هر صفحه سوزان زوئی به جا می‌ماند و دور از عقل نیست اگر بگوییم این کتاب متعالی بی‌بدیل است. امید است این حقیقت، قلم را از دست‌ان لشکری از نویسندگان مستعجلی براباید، که ظرف ۳۰ سال گذشته، یقه‌ه در پی خلق رونوشت‌هایی بد از نسخه‌ای اصل و جاوان بوده‌اند. آنچه ایشان باید دریابند این است که برای به مقصود رساندن چنین کسی به روحی همچون روسو شعله‌ور و ذهنی انجیلان فلسفی

ادبیات جهان

داستان‌های بادآورده

گریه‌های خائن

بند دل Topcat پاره شد و چون آن موقع خیلی در این مورد بی‌تجربه بودم گریه‌ام با کمال وقاحت مرا تنها گذاشت و یک روز صبح که آدمم صبحانه‌اش را بدهم دیدم نیست که نیست. خیلی انتظارش را کشیدم. با اینکه می‌دانستم گریه‌های نر بی‌وفایند اما می‌دانستم Topcat از آن گریه‌هایی نیست که بر گردد. گریه دوم خیلی آرام و نجیب بود. انگار از آن گریه‌هایی بود که به زندگی با آدم‌ها عادت داشت. خنکی خنکی بود. خانیی آن را با من آشنا کرد. قهوه‌ای‌رنگ بود. چشم‌هایش خیلی مهربان بود. یک کم شبیه مادرم بود. اصلا دله نبود. خیلی زود جای Topcat را گرفت و تنهایی مرا پر کرد. هر وقت تلویزیون نگاه می‌کرد می‌نشست روبه‌روی تلویزیون و زل می‌زد به آن. با اینکه می‌دانستم جز بر یک تلویزیون چیزی نمی‌فهمد اما به خاطر من نگاه می‌کرد. موقعی که از سر کار می‌آمدم صدا می‌زدم آلو آلو و می‌دوید و خودش را می‌مالید به کفش‌های من. انگار می‌گفت: «خسته نباشی!» از بابت آلو خیالم راحت بود چون اصلاً از خانه بیرون نمی‌رفت. یک روز گریه آمد توی ایوان میومیمو شاعرانه‌ای کرد. آلو روز زده بود بهش و نگاهش می‌کرد. اما با لنگه دمپایی کوبیدم

و دور نگاشتم و نگاهش می‌کرد. اما با لنگه دمپایی کوبیدم

ایده‌هایی در باب رمان

دوتاتین آلفونس ساد/ ترجمه: دریا ارجمند

بی‌وقفه می‌پرسند: رمان به چه درد می‌خورد؟ این آدم‌های مزور و منحرف به چه درد می‌خورند؟ فقط شما هستید که این پرسش احمقانه را طرح می‌کنید. رمان‌ها به این دلیل مفید هستند که از شما تصویری عیناً همان‌طور که هستید، عرضه می‌کند. آدم‌های مغروری که خود را از ضربه قلم دور نگه می‌دارند، زیرا از حاصل نقش می‌هراسند وجود رمان، در مقام تشبیه، همانا نقاشی کردن این شعار جهان است. برای فیلسوفی که بخواهد آدمی را بشناسد، رمان همان‌قدر ضرورت دارد که تاریخ، زیرا قلمی که تاریخ برای حکاکی به کار می‌برد نقشی از آدمی به دست نمی‌دهد مگر آنکه که خود را علنی ساخته باشد. از این رو با خود آدمیراد سروکاری نداریم، جاهللی و غرور جوانان نقابی بر چهره، فقط همین دو انگیزه را نشان می‌دهند و نه انسان را. درست برعکس، قلمپوی رمان، به درون انسان می‌پردازد، او را بدون نقاب مدنظر قرار می‌دهد، و از او طرحی جذاب‌تر و توانمان حقیقی‌تر عرضه می‌کند. این است فایده رمان، آن اهل ممیزی سرمدزاجی که از رمان‌ها دل خوشی ندارند، همچون لیلیج‌های زمین‌گیری هستند که یک‌کسره می‌پرسند: پرت‌ره به چه دردی می‌خورد؟

پس اگر این سخن حقیقت باشد که رمان‌ها مفید فایده‌اند، به چه ماست که بی‌هیچ هول و هراسی از اصولی بگوییم که به منظور تکامل این شیوه کلام، ضروری به نظر می‌رسد. به‌روشنی بر این باورم که چنین بار سنگینی نمی‌توان بر زمین گذاشت مگر از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننویس. از احترام به آن شراف دار، چه بهتر که قلم را زمین بگذاری. اگر، باز هم مثل او، بر آبی تا چهار مجلد در مام کافد سلیه کنی، باید این نکته را بدانی که تولید بیشتر کارلدی را جبران نمی‌کند. کسی تو را مجبور به برگزیدن این شیوه نکرده، پس اگر در این راه قدم می‌نهی آن را درست انجام بده. با همه آثار خود، در چنتهات داری، اثر را بر مبنای وجود خود گزینش نکن. اثر باید از حواجج تو بارور باشد، تو باید ضعف‌های خود را به آن سرایت دهی، از وحشت آن باید زردرویی گرسنگان هویدا باشد. شغل فقط نیست، کفایتی را پیشنه خود کن و هیچ کتابی ننوی